



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
Association des Ecrivains Iraniens (en exil)

کمال رفعت صفائی درگذشت .

من اگر گوزن باشم یا نباشم / سرانجام / از این درخت ها / یکی درخت فرجام خواهد بود
بهتر که شاخ بر زمین نسایم و / تیز بکنم / از عمر نیم دایره ای را گذشته ام / ماه کامل می شود
و من می میرم .

« کمال رفعت صفائی »

شاعر جوان و مبارز خستگی ناپذیر، نو ابریشم موازی از زخم و زعفران، کمال رفعت صفائی در بهار زندگی چشم بر جهان فرو بست. کودکی که در سی و هفت سال پیش، با زخمی بر پیشانی، در شهر شیراز قدم به دنیا گذاشت تا سرنوشت نسل خویش را با دهان خونین بسراید، پس از گذر از طوفان ها، سرانجام روز یازدهم آوریل ۱۹۹۴ در انزلی تبعید درگذشت و کلام زیبایش نیمه تمام ماند. شاعر ما، در لحظه شکفتن پرواز، صندوقچه ای از پر خونین بجای گذاشت.

از کمال رفعت صفائی چهار دفتر شعر: « چرخشی در آتش، آواز تیز آلماس، در ماه کسی نیست، پیاده » به یادگار مانده است که خود گواه بر استواری کلام و توانائی او در زمینه شعر است. زندگی او را می توان در اشعارش مرور کرد. چرا که وجودش با شعر درآمیخته بود و از منشور شعر می گذشت. تجربه پر بار سالیان، گذر از رنج ها، مبارزات سیاسی، آرزوها و آمالش، عشق و امیدش به انسان و انسانیت، آزادی و عدالت اجتماعی، نفرت بی پایانش از بیدادگری، دروغ، خود پرستی، جانمایه اشعار اوست. شعر کمال رفعت صفائی شعر زمانه ماست. چرا که او خود شاعر معاصر است و بر معاصر بودنش اصرار داشت. او مانند هر شاعر اصیلی شیدای انسان و سعادت انسانیت بود و برای تغییر جهان سرسختانه مبارزه می کرد. در آغاز جوانی و در روزهای تلاطم اجتماعی به انقلاب پیوست و سال ها در راه آرمانی که باور داشت سلاح بر دوش جنگید. این نوره از زندگی اش را خود در شعری به داوری نشسته است: من شادم / شادم که در پایتخت مذهب و مرگ / حیات شما را / با تاریک و سیانور می دویدم / و دلگیرم از خویش / زیرا / ستایش بی مضایقه را به ابلهی نوشاندم / که در دگردیسی بیمقدار / تیغ بر شعور مشترک نهاد و / به فتوی تردیدناپذیر تکامل مبدل شد ...

کمال رفعت صفائی، هرچند در این سال های اخیر فعالیت تشکیلاتی نداشت و به اعتراض کناره گرفته بود، ولی همیشه شاعری سیاسی باقی ماند. زندگی سیاسی و هنری او تفکیک ناپذیر است. علیرغم بیماری طولانی و جانفرسای؛ هرگز جمهوری اسلامی این دشمن انسان و انسانیت و آزادی را از یاد نبرد. نفرت او به رژیم ملاما به ژرفای دریاها بود: گم شوید / زیر تمام سنگ هائی که بر ما فرو بارید گم شوید / من اگر به بیابان بدل شوم / شهروند شما نخواهم شد.

کمال رفعت صفائی قربانی دیگری است که بین دو سنگ آسیا، دو قدرتی که آبشخور مشترکی دارند، از پای درآمد. کانون نویسندگان ایران « در تبعید »، درگذشت کمال شاعر را به مردم ایران، اعضای کانون، همسر و فرزندان و بازماندگان او تسلیت می گوید و همراه شاعر می سراید:

من کشف کرده ام / عشق / وقت مرگ / همچون عقابی از کاکلم صعود می کند و می رود .

کانون نویسندگان ایران « در تبعید »

آوریل ۱۹۹۴

مراسم خاکسپاری زنده یاد کمال رفعت صفائی: سه شنبه ۱۹ آوریل ساعت ۳ بعد از ظهر در اصلی گورستان

پرلاشز (Père - Lachaise) آدرس: مترو پرلاشز

باز تکثیر از هواداران مجاهدین خلق ایران - سوئد